

حمایت از کودکان در مخاصمات مسلحانه با استناد

بر اسناد حقوق بین‌المللی

ظاهر بهزاد^۱

چکیده

از گذشته دور بدین سو، پدیده نامیمون خشونت‌ها و جنگ‌ها، بر زندگی و آرزوهای کودکان در جوامع گوناگون سایه افکنده است. جنگ تقریباً کلیه حقوق کودکان؛ مانند حق بازی، حق تغذیه و حتی حق حیات را از آن‌ها سلب کرده و گاهی از آنان به‌عنوان سرباز اجباری در جنگ نیز استفاده می‌شود. با این وصف تاکنون، نهادها و سازمان‌های مختلف حقوق بشری و مدافع حقوق کودکان، برای محافظت و حمایت از آزادی و حقوق کودکان اقدام جدی نکرده است. در بسیاری از موارد مانند جنگ‌های داخلی سوریه و فلسطین، حقوق آن‌ها به گونه آشکارا پایمال شده است. در این تحقیق با استفاده از روش تحلیلی و توصیفی، به بررسی و مطالعه پژوهش‌های علمی و اسناد حقوقی برای تبیین حمایت از حقوق کودکان در مخاصمات مسلحانه، پرداخته شده است. یافته‌های تحقیق به‌صراحت نشان می‌دهد که تقریباً کلیه دولت‌ها به یکی از معاهده‌ها و کنوانسیون‌های حقوقی منطقه‌ای، بین‌المللی یا جهانی راجع به حمایت از حقوق و آزادی کودکان متعهد هستند و همین معاهده‌ها و کنوانسیون آن‌ها را ملزم به محافظت و حمایت از حقوق کودکان در جنگ‌ها و مخاصمات مسلحانه می‌نماید.

کلیدواژه‌ها: کودکان، حقوق بین‌الملل، مخاصمات مسلحانه، کنوانسیون‌ها

۱. لیسانس پلان گذاری آموزشی پوهنتون کابل، استاد دانشکده علوم انسانی، جامعه المصطفی العالمیه (نماینده افغانستان)، کابل، افغانستان



مقدمه

جوامع امروزی به فهم و درک جامع و کامل از اهمیت سازندگی حیات کودکان برای تداوم تمدنشان رسیده است. ازاین‌رو ممالک و دولت‌ها روز به‌روز در پی دست گرفتن سازکارها و راهکارهای مختلف برای حفاظت از آزادی و حمایت از حقوق آن‌ها هستند. جامعه جهانی در برخی موارد به دنبال تنظیم اصول حقوقی برای حمایت از حقوق کودکان در مخاصمات مسلحانه؛ مانند اعلامیه حقوق کودک مصوب سال ۱۹۲۴ میلادی سران کشورهای جامعه ملل است. در برخی موارد دیگر به تعقیب توسل به فشار برای محافظت از جان کودکان در جنگ‌ها؛ مانند اعمال تحریم‌های اقتصادی بر شبه‌نظامیان مسلح غیرمسئول است.

در جنگ‌ها و مخاصمات مسلحانه داخلی، خارجی و بین‌المللی بدبختانه اطفال اکثراً به فجیع‌ترین شکل آسیب و صدمه می‌بینند و حتی گاهی باعث از دست رفتن حیات آن‌ها می‌گردد. آسیب‌هایی که همیشه متوجه کودکان در جنگ‌ها و درگیری‌های نظامی بوده است، شامل این موارد می‌شود: «استفاده از آن‌ها با توسل به زور برای وادار کردن به عنوان سرباز اجباری به واسطه طرف‌های نزاع، به کار گرفتن از آنان به حیث جاسوس و خبرچین توسط دسته‌های جنگی، آزار و اذیت جنسی کودکان برای تأمین نیاز شهوات جنگ‌سالاران، مرگ و میر آنان ناشی از امراض مزمن و کمبود غذا به عنوان آوارگان جنگی در پناهگاه، بهره گرفتن از آن‌ها به حیث قاچاقچیان برای حمل و نقل اسلحه و مهمات جنگی و استفاده از آنان برای ردیابی بمب‌های زمینی به عنوان ردیاب ماین‌ها است». (طلعت و آهنگر، ۱۳۹۵: ۱۱۵)

پدیده شوم جنگ و توسل به قدرت نظامی، به عنوان بخشی از سیاست ملی در دولت‌های ابرقدرت، همیشه برای تأمین منافع راهبردی‌شان مطرح است. لذا برخی اوقات مستقیم و به بهانه‌های مختلف وارد نبرد می‌شوند و برخی اوقات با حمایت از دسته جنگی خاص جنگ نیابتی را در یک منطقه جغرافیایی تحمیل می‌کنند؛ اما در هر صورت مردمان ملکی و بی‌دفاع به‌ویژه کودکان قربانی می‌شوند. (اردستانی و کامجو، ۱۳۹۶: ۱۱) کارشناسان حوزه حقوق بین‌الملل، جنگ را مجموعی از عملیات



و اقدامات فهرآمیز برای حفاظت از منافع کشورها می‌دانند که گاهی در چهارچوب مناسباتشان رخ می‌دهد. (مسعودی نیا، ۱۴۰۱: ۲۱)

۱. پیشینه تحقیق

با ورود به قرن بیست و یکم میلادی مسئله حقوق بشری ارزش و اهمیت فراوان در بین جوامع مدرن پیدا کرده است که از مشارکت مردم در انتخاب زعیمشان تا حفاظت از حقوق آن‌ها در جنگ‌ها را شامل می‌گردد. در این میان مسئله حفاظت و حمایت حقوق و آزادی کودکان در جنگ از هر چیز مهم‌تر تلقی می‌گردد. بدین اساس مطالعه‌ها و بررسی‌های فراوان در این زمینه صورت گرفته است که به نتایج و یافته‌های برخی از آن‌ها در ذیل می‌پردازیم:

موسوی میرکلایی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای تحت عنوان «راهکارها و ضمانت اجرای حقوق بین‌الملل بشردوستانه با تأکید بر ماده اول مشترک کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹»، دست به مطالعه و بررسی اهمیت ماده اول هر چهار کنوانسیون ژنو سال ۱۹۴۹ م زده است که به مسئله مشترک می‌پردازد. یافته‌های این مقاله شان می‌دهد که متأسفانه برخی از یک‌صد و بیست و چهار کشور متعهد به هر چهار کنوانسیون، مشمول نقض کنندگان مفاد این کنوانسیون‌ها است. لذا باید برای به میان آمدن معاهده‌ها در آینده و برای حمایت از حقوق بشر، ضمانت‌های اجرایی از جمله تحریم‌های اقتصادی برای ناقضین مدنظر گرفته شود.

طلعت و آهنگر (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «حمایت از کودکان در مخاصمات مسلحانه در چارچوب اسناد بین‌المللی»، به بررسی معاهده‌های بین‌المللی از جمله کنوانسیون حقوق کودک مصوب سال ۱۹۸۹ م. کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، منشور آفریقایی حقوق و رفاه کودکان مصوب سال ۱۹۹۰ م. و منشور اجتماعی اروپا مصوب سال ۱۹۹۶ م. پرداخته است. یافته‌های این مطالعه نشان دهنده توجه تقریباً همه دولت‌ها به محافظت از کودکان در مخاصمات مسلحانه است؛ اما هنوز تعدادی از کشورها به‌ویژه در افریقا است که نسبت به تعهد بین‌المللی خود بی‌توجه بوده و



مستلزم راهکارهایی است که آن‌ها را وادار به عملی ساختن تعهدشان کند.

حسینی و محمدزاده (۱۳۹۶) در پژوهش با عنوان «فرادینی یا دینی بودن حقوق بشر و حقوق بشردوستانه» به یک ارزیابی کلی درباره منبع و منشأ حقوق بشر و حقوق بشردوستانه دست زده است. یافته‌های این ارزیابی نشان می‌دهد که حقوق بشر و حقوق بشردوستانه کنونی در حقیقت متأثر از دستورهای ادیان ابراهیمی به‌ویژه دین مقدس اسلام است. لذا ریشه دینی دارد و منفک از دین نیست.

عظیمی و فاضل (۱۳۹۶) در مطالعه‌ای تحت نام «پژوهش تطبیقی درباره مفهوم، ماهیت و شرایط اصل تناسب در حقوق بشردوستانه بین‌المللی و حقوق اسلام» به اصل تناسب در ماده اول کنوانسیون ژنو و قوانین حاکم بر دیوان کیفری بین‌المللی و همچنین از منظر دین مقدس اسلام پرداخته است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که اصل تناسب در قوانین حاکم بر نظام حقوقی بین‌المللی معاصر و دین مبین اسلام، یکسان است.

اردستانی و کامجو (۱۳۹۷) در مطالعه‌ای تحت عنوان «بررسی وضعیت حقوق بشر در زمان مخاصمات مسلحانه: یک ارزیابی نظری» نگاه اجمالی بر واسطه‌های وقوع مخاصمات مسلحانه بین انسان‌ها، دولت‌ها، ادیان و تمدن‌ها انداخته و ایده صلح را به عنوان متضمن حقوق بشر بررسی کرده است. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که جامعه بین‌المللی در سده‌های نوین کوشیده تا با اقدامات متعددی در راستای کاهش تلفات جانی و مالی ناشی از این مخاصمات گام بردارد که از جمله می‌توان به وضع قوانین و مقرراتی تحت عنوان حقوق بشردوستانه اشاره نمود.

خلف رضایی (۱۳۹۸) در مطالعه‌ای با عنوان «گروه‌های مسلح فراملی و اجرای حقوق بشردوستانه بین‌المللی»، نبرد میان گروه‌های مسلح غیردولتی و دسته‌های تفنگدار غیرمسئول را در سرحدات ملی و فراملی کشورها بررسی کرده است. نتایج این مطالعه حاکی از نقص واضح قوانین بشردوستانه بین‌المللی؛ مانند استفاده از افراد ملکی به عنوان سپر انسانی در جنگ‌ها و نزاع‌های مسلحانه میان این گروه‌ها است.



برادران و حبیبی (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «قابلیت اعمال قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه در جنگ‌های سایبری»، قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه در رابطه با جنگ‌های سایبری را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که هر چند قوانین ویژه حقوق بشردوستانه بین‌المللی مدون برای جنگ‌های سایبر وجود ندارد؛ اما می‌توان با استناد بر قواعد حاکم بر مخاصمات مسلحانه فیزیکی استفاده کرد. میر محمدی (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «حمایت از کودکان در مخاصمات مسلحانه»، به مطالعه محافظت از اطفال در جنگ‌ها و نبردها بین طرف‌های درگیر پرداخته است. نتایج این تحقیق، انواع نقض حقوق کودکان در نبردها و جنگ‌ها را نشان می‌دهد که از آن جمله می‌توان به سربازگیری اجباری، کشتن و ربودن آن‌ها، تجاوز جنسی بر آنان و محرومیت آن‌ها از دسترسی به کمک‌های بشردوستانه نام برد. فضائلی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «اصول حاکم بر رفتار با قربانیان مخاصمات مسلحانه از نگاه اسلام و حقوق بین‌المللی بشردوستانه: با تأکید بر وضعیت زندانیان جنگی و بازداشت شدگان»، نگاهی بر قوانین حاکم نظام حقوق بین‌المللی بر قربانیان و اسیران جنگ‌ها در غزوات اسلام و جنگ‌های معاصر انداخته است. یافته‌های مقاله تصریح می‌کند که طرف‌های مخاصمه، با بازداشت‌شدگان و اسیران جنگی در پرتو کرامت انسانی و مواد پروتکل‌های ژنو برخورد کنند و از هرگونه اعتراف اجباری و شکنجه زندانیان، دست بردارند؛ زیرا این امر براساس مستندات این تحقیق، ممنوع است.

مسعودی نیا (۱۴۰۱) در مقاله‌ای تحت عنوان «حمایت از غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه در فقه و حقوق کیفری بین‌المللی»، حفاظت غیرنظامیان یا افراد ملکی را در نبردها از نگاه فقه اسلامی و قوانین کیفری بین‌المللی را بررسی کرده است. یافته‌ها با استناد بر آیه ۱۹۰ سوره بقره و پروتکل اول الحاقی سال ۱۹۷۷ میلادی که مورد قبول اکثر دولت‌ها است، نشان می‌دهد که حمایت و حفاظت از حقوق افراد ملکی در مخاصمات مسلحانه، برای طرفین نبرد الزامی است.



۲. وضعیت حمایت از کودکان

حمایت از حقوق و حفاظت از جان مردم ملکی و افراد بی‌دفاع به‌ویژه کودکان، همواره مورد تأکید تمدن‌ها و ادیان در ادوار تاریخ بوده است. از جمله می‌توان به‌عنوان مثال در دین اسلام به حیث دومین آیین پرجمعیت جهان اشاره کرد. بارها در قرآن عظیم‌الشان به اجتناب از تلفات افراد ملکی به طرف‌های جنگ هشدار داده شده است و به‌گونه ویژه در این آیه‌ای می‌فرماید: «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا؛ هرکسی انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد، چنان است که گویی همه انسان‌ها را کشته است و هرکسی سبب نجات کسی شود، چنان است که گویی همه انسان‌ها را زنده کرده است». (مائده: ۳۲) با این حال تاریخ شهادت می‌دهد که در جنگ‌های گوناگون، توصیه قرآن کریم درباره جلوگیری از تلفات مردم بی‌دفاع و ملکی به‌ویژه کودکان را نادیده گرفته شده است.

بر اساس گزارش شورای امنیت سازمان ملل متحد در دهه نود میلادی، ۵۷ مخصصه مسلحانه داخلی در سراسر جهان به وقوع پیوسته است که باعث استفاده سه صد هزار (۳۰۰۰۰۰) کودک به‌عنوان سرباز اجباری، کشته شدن یک میلیون و دو صد هزار کودک (۱۲۰۰۰۰۰)، زخمی شدن سیزده هزار کودک (۱۳۰۰۰) در اثر بمب‌های کنار جاده‌ای و آواره شدن بیست میلیون (۲۰۰۰۰۰۰۰) کودک شده است. (میر محمدی، ۱۳۹۸: ۴۲) با استناد به گزارش شورای امنیت سازمان ملل متحد، می‌توان اذعان کرد که بدبختانه در جنگ‌ها، حیات و سرنوشت کودکان نادیده گرفته می‌شود و آن‌ها اصلی‌ترین قربانیان مخصصات مسلحانه به حساب می‌آیند. اعداد و ارقام شورای امنیت نیز دل‌خراش و وحشتناک است.

دولت‌ها روز به روز سعی دارند که توانایی‌های نظامی‌شان را به‌گونه چشم‌گیر افزایش دهند تا با استفاده از جدیدترین تکنولوژی در جنگ، برای کسب مزیت رقابتی با رقبای منطقه‌ای و بین‌المللی‌شان، شکننده‌ترین سلاح‌ها را تولید کنند. هر قدر رشد در تولید سلاح‌های پیشرفته صورت بگیرد، متأسفانه باعث افزایش فراوان



تلفات افراد ملکی و غیرنظامیان می گردد. هرچند در قطعنامه ۱۵۶۶ شورای امنیت سازمان ملل متحد، به صراحت از همه جوانب جنگ و نبرد درخواست شده است تا از به کار بستن سلاح های کشتار جمعی، دوری نمایند؛ (حیدری فرد و امیری، ۱۴۰۰: ۲۸) اما سردمداران زور و قدرت سلطه، جز به منافع سیاسی و اقتصادی خود و خوی سلطه گری خود، به چیزی دیگر نمی اندیشند. از این رو، نهادها و سازمان های منطقه ای، بین المللی و جهانی مدافع حقوق بشر و حامی حقوق کودکان، مانند صلیب سرخ بدین باور رسیده اند که محکومیت ها و قطعنامه ها، توانایی جلوگیری از پایداری شدن حقوق کودکان و محافظت از جان آن ها را ندارند. بنابراین آنان در صدد اتخاذ تدابیر و یافتن راهکارهایی با ضمانت اجرایی هستند. لذا سعی دارند تا در راستای ایجاد پیمان ها بین دولت ها، مانند پروتکل ژنو در این راستا گام بردارد.

جهان معاصر با گذراندن دو جنگ جهانی و دادن تلفات بی شمار افراد ملکی به ویژه کودکان اکنون در پی یافتن سازوکارهای مناسب است تا ابتدا از بروز جنگ یا در نهایت از تلفات مردمان ملکی به ویژه اطفال جلوگیری کنند که از آن جمله می توان به کنوانسیون های چهارگانه مصوب سال ۱۹۴۹ میلادی، کنوانسیون حقوق کودک مصوب سال ۱۹۸۹ میلادی، منشور آفریقایی حقوق کودکان مصوب سال ۱۹۹۰ میلادی و منشور اجتماعی اروپا مصوب سال ۱۹۹۴ میلادی و سفارش نامه کنفرانس بین المللی صلیب سرخ مصوب سال ۱۹۹۵ میلادی را نام برد.

۳. حمایت از حقوق کودک در اسناد بین المللی

مطالعات و تحقیقات به وضاحت نشان می دهد که کمیته بین المللی صلیب سرخ و جمعیت هلال احمر نخستین سازمان های پیشگام در امور بشردوستانه بین المللی است که این سازمان ها در زمینه محافظت از زخمی های ملکی در جنگ، بیماران عضو در نیروهای مسلح کشورها در نبردها و اسیران در اسارت، خدمات چشم گیری انجام داده اند؛ اما معاهده ها و پیمان های که تا کنون در زمینه حفاظت از جان و مال افراد بی دفاع و مردم ملکی، به ویژه حمایت از کودکان بین دولت ها منعقد شده، شامل کنوانسیون های چهارگانه ژنو، کنوانسیون حقوق کودک، منشور آفریقایی حقوق



کودکان و منشور اجتماعی اروپا است که در ذیل به آن‌ها می‌پردازیم:

۳-۱. کنوانسیون چهارگانه ژنو

کنوانسیون چهارگانه ژنو، مهم‌ترین ماده حقوق بین‌الملل بشردوستانه است که محدودیت‌های برطرف‌های منازعه مسلحانه در زمان جنگ وضع کرده است تا از حقوق و آزادی‌های افرادی ملکی حفاظت و حمایت کنند. (موسوی میرکلایی، ۱۳۹۲: ۲) در سال ۱۸۶۴ میلادی با تدویر نخستین نشست بین دوازده کشور توافق شد تا مددهای صحنی برای سربازانی که در جنگ زخمی می‌شوند، از سوی این دولت‌ها فراهم شود. این نشست بین دولت‌ها نخستین گام در راستای حمایت از حقوق افراد در مخاصمات مسلحانه معاصر به حساب می‌آید و مفاد حقوقی این نشست، درواقع کنوانسیون اول ژنورا می‌سازد. (طلعت و آهنگر ۱۳۹۵: ۳۲) وقتی توافق بین دولت‌ها بر سر دومین کنوانسیون ژنو صورت گرفت که در سال ۱۹۰۶ میلادی برای اصلاح مفاد حقوقی کنوانسیون اول ژنو آن‌ها به موافقت‌ها جدید نظیر دور نگهداشتن مردم ملکی از ساحه جنگی دست یافتند. (زمانی و پیری، ۱۳۹۱: ۱۲)

با به پایان رسیدن جنگ اول جهانی، بار دیگر بسیاری از کشورها در ژنو در سال ۱۹۲۹ میلادی گردهم آمدن تا علاوه بر مواد دو کنوانسیون گذشته، درباره حقوق اسیران جنگی نیز صحبت نمایند که دست‌یابی به یک توافق درباره حقوق اسیران جنگی باعث گردید تا کنوانسیون سوم ژنو نیز بر دو کنوانسیون گذشته اضافه گردد. در همین نشست، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ نیز پایه‌گذاری شد. (طلعت و آهنگر، ۱۳۹۵: ۴۱) سران دولت‌ها در سال ۱۹۴۹ میلادی یعنی پس از به پایان رسیدن جنگ جهانی دوم، در ژنو کنفرانس دیگر را برپا کرد تا علاوه بر حمایت از سربازان زخمی و اسیران، درباره مردم ملکی و بی‌دفاع به‌ویژه زنان و کودکان در زمان جنگ به توافق برسند؛ زیرا آنان قربانیان بی‌موجب و متأثر از جنگ هستند که همین توافق درواقع کنوانسیون چهارم ژنورا به میان آورد. (طلعت و آهنگر، ۱۳۹۵: ۴۶) در کل می‌توان گفت از مجموع چهار کنوانسیون ژنو، در کنوانسیون چهارم ژنو بر لزوم حمایت و حفاظت از حقوق زنان و کودکان پرداخته شده است؛ مانند ممنوعیت



بمباران شفاخانه‌ها که در آن معمولاً زخمیان جنگی برای تداوی انتقال داده شده‌اند یا اردوگاه‌های کمیته بین‌المللی صلیب سرخ که در آنجا زنان و کودکان برای دور ماندن از ساحه جنگی انتقال داده می‌شوند.

۲-۳. کنوانسیون حقوق کودک

کنوانسیون حقوق کودک یک میثاق بین‌المللی است که حقوق مدنی و اساسی کودکان را بیان دنبال می‌کند و دولت‌هایی که این معاهده را امضا کرده‌اند، به تطبیق مفاد این کنوانسیون موظفند. (کرباسی و منصوری، ۱۳۹۷: ۱۲) هرگونه تخطی و نقض مفاد این کنوانسیون توسط دولت‌ها به واسطه صندوق حمایت از کودکان و کمیته حقوق کودک سازمان ملل متحد بررسی شده و به دیوان بین‌المللی کیفری برای فیصله، صادر می‌گردد.

کنوانسیون حقوق کودک در سال ۱۹۸۹ میلادی مورد پذیرش مجمع عمومی سازمان ملل متحد قرار گرفت و سی روز پس از تودیع بیستمین سند تصویب یا الحاق، لازم‌الاجرا شده است. (عماری و حاتمی، ۱۳۹۹: ۱۲) اکنون ۱۹۳ کشور عضو سازمان ملل متحد به جز ایالات متحده آمریکا، به این کنوانسیون پیوسته‌اند. این کنوانسیون جهانی درباره حقوق کودک بر اساس سه بخش و ۵۴ ماده تهیه و تنظیم شده است و کلیه مفاد حقوقی آن بر چهار اصل استوار است که هر اصل در ذیل بیان می‌شود:

۱. کودک بر اساس ماده نخست این کنوانسیون حقوقی به هر انسان که کمتر از هجده سال داشته باشد، گفته می‌شود، مگر اینکه اسناد قانونی هر دولت در مورد کودک، سن قانونی کمتری را تعیین کرده باشد؛
۲. هیچ کودکی هرگز در گوشه از جهان امروزی نباید از تبعیض نژادی، زبانی، جنسیتی، عقیده یا سمتی رنج ببرد و دولت‌های عضو این کنوانسیون متعهد به دفاع از حقوق کودکان هستند؛
۳. حیات حق مسلم هر کودک است و از آنجا که کودکان نسل آینده کشورها هستند، دولت‌ها هرگونه تلاش برای تأمین حقوقشان را انجام بدهند؛ زیرا مکلفند تا از

کودکان در حالات گوناگون نظیر مخاصمات مسلحانه محافظت کنند؛

۴. کودکان حق دارند تا آزادانه عقاید و دیدگاه‌هایشان را ابراز کنند و این نظرات در

تمامی اموری که به آن‌ها مربوط می‌شود، باید مورد توجه قرار بگیرد.

لازم به ذکر است که از جمله موادی که در این سند حقوقی دربارهٔ کودکان ممنوع شده است، شامل ازدواج یا برده‌داری کودکان، ممنوع شدن اعدام کودکان و غیرقانونی بودن استفاده از اطفال به‌عنوان سرباز در جنگ است.

۳-۳. منشور آفریقایی حقوق کودکان

اکثر کشورهای آفریقایی به دلیل مستعمره اروپائیان بودن، از حق آموزش و پرورش محروم بودند یا اکثر جمعیت قاره آفریقا در جنگ‌های نیابتی قدرت‌های اروپایی یا در معادن جهت استخراج مشغول بوده‌اند. دولت‌های دیکتاتوری آفریقا مانند جمهوری دموکراتیک آفریقای مرکزی تا اواخر قرن بیستم میلادی به حقوق بشر و کودکان پایبندی نشان نمی‌دادند. کشورهای حامی حقوق بشر در اتحادیه آفریقا در نشست فوق‌العادهٔ این اتحادیه در سال ۱۹۹۰ میلادی، از سران کشورهای آفریقایی یک سلسله تعهدات مبنی بر حمایت از حقوق کودکان به‌ویژه در مخاصمات و نبردهای داخلی اخذ کرده‌اند که به منشور آفریقایی حقوق کودکان شهرت یافت. (عماری و حاتمی، ۱۳۹۹: ۳۲)

در این منشور تنها قرارداد منطقه‌ای در جهان معاصر است که دربارهٔ حقوق کودکان پرداخته است. مواد مهم منشور آفریقایی حقوق کودکان، شامل مسئولیت دولت‌ها در برابر کودکان، مسئولیت طرف‌های نبرد در هنگام جنگ برای حفاظت از حقوق کودکان، وظیفهٔ خانواده‌ها در مقابل نسل آینده، وظیفهٔ اتحادیهٔ آفریقا در قبال کودکان در هنگام جنگ و صلح و مسئولیت نهاد و سازمان‌های بین‌المللی در آفریقا برای تأمین حقوق کودکان است.

با این حال میلیون‌ها کودک در ممالک مختلف جهان هنوز از کمبود مواد غذایی، انواع بیماری‌ها، جنگ، عدم دسترسی به آموزش، کار اجباری در معادن، استفاده از



آن‌ها در قاچاق، خشونت‌های جنسی و غیره رنج می‌برند. به‌عنوان مثال، در کشورهای آفریقایی مرکزی مانند جمهوری دموکراتیک کنگو و زئیر از هر ده کودک زیر سن چهارده سال، چهار کودک در اردوگاه‌های جنگ‌سالاران مصروف کار اجباری هستند. (حیدری فرد و امیری، ۱۴۰۰: ۱۱)

۳-۴. منشور اجتماعی اروپا

هدف از منشور اجتماعی اروپا یا منشور حقوق شهروندی اتحادیه اروپا، یکپارچه ساختن کشورهای عضو اتحادیه اروپا و شورای اروپا به‌منظور حفاظت و صیانت از میراث‌های مشترک، ارزش‌های انسانی و حقوق بشر است. به عبارت دیگر دولت‌های امضاکننده منشور اجتماعی اروپا که همه آن‌ها اعضای شورای اروپایی نیز هستند، با هدف هماهنگی و همدستی بیشتر برای تحقق اهداف حقوق بشری و مدنی شهروندان اروپا، به ایجاد این منشور دست زده‌اند. (مراد زاده و نواب‌زاده شهر بابکی، ۱۳۸۸: ۵۲)

۴. سند حقوقی منشور اجتماعی اروپا

۱. بخش اول منشور اجتماعی اروپا شامل اعلامیه عام مبتنی بر حقوق و اصول تعیین‌کننده سیاست دولت‌ها است. لازم به ذکر است که هر نکته‌ای از بخش اول منشور اجتماعی اروپا، منطبق با ماده‌های با همان شماره در بخش دوم این منشور است. بخش اول منشور بازنگری شده همانند منشور سال ۱۹۶۱ میلادی شامل اعلامیه‌ای با ماهیت سیاسی است که باید مورد پذیرش یا رد قرار گیرد.

۲. دوم منشور اجتماعی اروپایی شامل حقوق اقتصادی و اجتماعی اعلام شده توسط منشور اجتماعی اروپایی بازنگری شده است. آن‌چنان که در منشور سال ۱۹۶۱ میلادی نیز آمده بود، طرف‌ها باید حداقل تعداد معین از حقوق مندرج در بخش دوم را به‌طور انتخابی بپذیرند.

۳. بخش سوم منشور حقوق شهروندی اروپا دارای دو ماده است که ماده نخست آن ساختار تعهدات طرف‌ها را تعیین می‌کند و ماده ثانی آن پیوندهای منشور



بازنگری شده با منشور اروپایی سال ۱۹۶۱ میلادی و پروتکل الحاقی ۱۹۸۸ میلادی را مطرح می‌سازد.

۴. در ماده نخست بخش چهارم تأکید شده است که برای منشور بازنگری شده، سیستم نظارتی جداگانه پیش‌بینی نشده و تحت همان منشور سیستم نظارتی منشور ۱۹۶۱ باقی می‌ماند و در ماده دوم از این بخش منشور به شکایت‌های جمعی که پیش از آن در پروتکل الحاقی سال ۱۹۸۸ میلادی پیش‌بینی شده بود می‌پردازد و نحوه اعمال آن را نسبت به دولت‌های عضو بیان می‌دارد.

۵. در بخش پنجم منشور اجتماعی تأکید گردیده که برای منشور بازنگری به موضوعات عدم تبعیض موارد تخلف از منشور و نقض آن به هنگام جنگ و خطر عمومی، محدودیت‌ها بر پیوندهای میان منشور و حقوق داخلی با توافقات بین‌المللی و نحوه اعمال تعهدات پذیرفته شده و نحوه تنظیم اصلاحیه‌های مدنظر نسبت به این منشور می‌پردازد.

۶. بخش ششم منشور اجتماعی متن قیود نهایی بر منشور بازنگری شده را در بردارد و این قیود برگرفته از برخی مقررات موجود در بخش ششم منشور سال ۱۹۶۱ میلادی با الهام از الگوهای نهایی قیود اقتباسی به‌وسیله کمیته وزیران شورای اروپای برای پیمان‌های ایجاد شده در سازمان تنظیم شده است.

در کل در بخش‌های اول و دوم منشور اجتماعی اروپا، به سوژه‌های مهمی حقوق دربارهٔ کودکان و زنان پرداخته است که از آن جمله می‌توان به حق داشتن فرصت کار در نهادها و مؤسسات بدون تبعیض جنسیتی، ممنوع شدن کار اطفال زیر سن هجده سال در شرکت‌ها و مؤسسات، قائل شدن حق حمایت اجتماعی از افراد متقاعد اشاره کرد؛ اما آنچه این منشور را مهم می‌سازد، این است که طبق ماده ۳۲ منشور دولت‌های متعهد مکلفند تا برای اطفال یتیم، خیابانی یا بی‌سرپرست سرپناه، آموزش و غذا فراهم کنند. همچنین دولت‌ها به محافظت از جسم و روان کودکان در آشوب‌ها و اغتشاش‌ها ملزم هستند.

نتیجه‌گیری

کودکان می‌توانند مسبب بقا و تداوم تمدن بشریت باشند و تقریباً از سه حصه، یک حصه جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند. بنابراین نباید سرنوشت آن‌ها فراموش شود. روشن است که نحوهٔ پرورش کودکان، تأثیر مستقیم بر آینده جهان و تمدن‌های بشری دارد. لذا لازم است که همهٔ دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی به‌ویژه مدعیان مدافع حقوق بشر دست به دست هم داده و در راستای تأمین آزادی و دسترسی کودکان به حقوق اساسی و مدنی‌شان تلاش کنند. با این وصف، ادعای دستاوردهای مؤثر در زمینهٔ حمایت از حقوق کودکان و حفاظت از جان آن‌ها به واسطهٔ جامعه جهانی امروزی، متأسفانه هنوز هم جان و سرنوشت کودکان فراوانی قربانی بازی‌ها بر سر منابع و منافع بین بازیگران می‌گردد. نه تنها آزادی کودکان سلب می‌شود، بلکه آن‌ها از حقوق اساسی‌شان نیز محروم می‌شوند و در بسیار از موارد، جنگ‌ها و مخاصمات مسلحانه، کودکان را به فجیع‌ترین شکل ممکن، صدمه می‌زند که حتی گاهی باعث از دست رفتن و قربانی حیات آن‌ها می‌شود. آسیب‌های که همیشه متوجه کودکان در جنگ‌ها و درگیری‌های نظامی بوده، شامل موارد چون استفاده از آن‌ها با توسل به‌زور برای سربازی اجباری، به کار گرفتن آنان به حیث جاسوس توسط دسته‌های جنگی، آزار و اذیت جنسی آن‌ها برای تأمین نیاز شهوات جنگ‌سالاران، مرگ و میر آنان ناشی از امراض مزمن و کمبود غذا به‌عنوان آوارگان جنگی در پناهگاه، بهره گرفتن از آن‌ها به حیث قاچاقچیان برای حمل و نقل مهمات جنگی و استفاده از آن‌ها برای ردیابی بمب‌های زمینی به‌عنوان ردیاب ماین‌ها است. هرچند سازمان ملل متحد، صلیب سرخ و برخی از سازمان‌های بین‌المللی، گام‌هایی در راستای اعاده حقوق کودکان برداشته‌اند؛ اما اقدامات بدون ضمانت اجرایی و تضمین‌های سیاسی ناکافی است. گام‌های برداشته شده تا کنون دربارهٔ حمایت از حقوق و محافظت از کودکان در مخاصمات مسلحانه شامل کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو مصوب سال ۱۹۴۹ میلادی، کنوانسیون حقوق کودک مصوب سال ۱۹۸۹ میلادی، منشور آفریقایی حقوق کودکان مصوب سال ۱۹۹۰ میلادی و منشور اجتماعی اروپا مصوب سال ۱۹۹۴ میلادی است.



فهرست منابع

قرآن کریم

۱. اردستانی و کام‌جو، (۱۳۹۷)، بررسی وضعیت حقوق بشر در زمان مخاصمات مسلحانه: یک ارزیابی نظری، فصل‌نامه حقوق بشر، سال سیزدهم، شماره ۱.
۲. برادران و حبیبی، (۱۳۹۸)، قابلیت اعمال قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه در جنگ‌های سایبری، فصل‌نامه مطالعات حقوق عمومی، دوره چهل نهم، شماره ۱.
۳. حبیبی، علی، (۱۳۹۵)، جایگاه حقوق بشردوستانه در اسلام و اسناد بین‌المللی، فصل‌نامه علمی-پژوهشی پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال ششم، شماره ۲.
۴. حسینی و محمدزاده، (۱۳۹۶)، فردینی و دینی بودن حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، فصل‌نامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال ششم، شماره ۱۳.
۵. حیدری فرد و امیری، (۱۴۰۰)، جنگ جهانی علیه تروریسم از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه، فصل‌نامه علمی مطالعات روابط بین‌الملل، سال چهاردهم، شماره ۲.
۶. خلف رضایی، حسین، (۱۳۹۸)، گروه‌های مسلح فراملی و اجرای حقوق بشردوستانه بین‌المللی، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۶۱.
۷. زمانی و پیری، (۱۳۹۱)، کارکرد منافع ملی حیاتی در حوزه‌های انسانی حقوق بین‌الملل: حقوق بشردوستانه. مجله حقوقی دادگستری، شماره ۳۹.
۸. طلعت و آهنگر، (۱۳۹۵)، حمایت از کودکان در مخاصمات مسلحانه در چارچوب اسناد بین‌المللی، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۳۰.
۹. عظیمی و فاضل، (۱۳۹۶)، پژوهشی تطبیقی درباره مفهوم، ماهیت و شرایط اصل تناسب و حقوق بشردوستانه بین‌المللی و حقوق اسلام، فصل‌نامه پژوهشی تطبیقی حقوق اسلام و غرب، سال چهارم، شماره ۴.
۱۰. عماری و حاتمی، (۱۳۹۹)، ضرورت و تأثیر جرم انگاری مخاصمات داخلی در



اساس‌نامه دیوان کیفری بین‌المللی، فصل‌نامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، سال

دوازدهم، شماره ۴۶.

۱۱. فضائی، مصطفی، (۱۳۹۸)، اصول حاکم بر رفتار قربانیان مخاصمات مسلحانه از نگاه

اسلام و حقوق بین‌الملل بشردوستانه‌ها با تأکید بر وضعیت زندانیان جنگی و بازداشت

شدگان، فصل‌نامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، سال ششم، شماره ۱.

۱۲. کرباسی و منصوری، (۱۳۹۷)، مطالعه تطبیقی رعایت اصول بنیادین حقوق بشردوستانه

در سیره نظامی پیامبر اسلام و جهان معاصر (قرن بیست و یکم)، فصل‌نامه مدیریت

نظامی، سال نوزدهم، شماره ۳.

۱۳. مراد زاده و نواب زاده شهربابکی، (۱۳۸۸)، منشور اجتماعی اروپا بازبینی شده مصوب

سوم می ۱۹۹۶ میلادی، مجله حقوقی بین‌المللی مرکز امور حقوقی معاونت حقوقی و

امور مجلسی ریاست جمهوری، سال بیست و ششم، شماره ۴۰.

۱۴. مسعودی نیا، محمد، (۱۴۰۱)، حمایت از غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه در فقه و

حقوق کیفری بین‌المللی، فصل‌نامه فقه جزای تطبیقی، دوره دوم، شماره ۳.

۱۵. موسوی میرکلایی، سید طاها، (۱۳۹۲)، راهکارها و ضمانت اجرای حقوق بین‌الملل

بشردوستانه با تأکید بر ماده اول مشترک کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ میلادی، مجله حقوقی

دادگستری، شماره ۸۳.

۱۶. میرمحمدی، سید مصطفی، (۱۳۹۸)، حمایت از کودکان در مخاصمات مسلحانه:

رهیافت‌های حقوق بین‌الملل و حقوق اسلام، مجله حقوق بشر، شماره ۲.